

لذت فوتبال در خاص ترین ورزشگاه ها

روایت های خواندنی از تجربه تماشای فوتبال در باشکوه ترین ورزشگاه های دنیا از نیو کمپ والد ترافورد تا ماراکانای برزیل و ورزشگاهی فوق مدرن در استرالیا

فاطمه قاسمی | روزنامه نگار

پرونده

سالانه مسابقات فوتبال بی شماری در ورزشگاه های سراسر دنیا برگزار می شوند که تجربه تماشای

فوتبال در هر یک از آن ها، ویژگی های خاص خودش را دارد. حالا که به دلیل شیوع کرونا، امکان حضور در ورزشگاه برای فوتبال دوستان فراهم نیست در پرونده امروز زندگی سلام تعدادی از هموطنان مان در یادداشت هایی، تجربه شان از تماشای فوتبال در ورزشگاه های مختلف دنیا، امکانات و خدمات، جو اخلاقی، سرگرمی های بین دو تیمه، احساسات شان و جزئیات جالبی را با ما به اشتراک می گذارند تا یادی از آن روزهای پر شور و هیجان تماشای فوتبال از نزدیک کرده باشیم.

این جا باید بازی را ایستاده ببینید!

کدام ورزشگاه؟ |الترافورد |منچستر

چه مسابقه ای: منچستر یونایتد و ساوت همپتون **نیک ت، ۳۷ ساله، دانشجوی اقتصاد در انگلیس:** ورزشگاه رفتن در انگلیس به این سادگی ها نیست که شما مثلا بروید دم در و بلیت بخرید. بلیت ها را هواداران برای کل فصل می خرند و برای خرید بلیت یک فصل باید چند سال توی صف بمانید! یک سری بلیت ها را هم اعضای باشگاه که حق عضویت سالانه می دهند صاحب می شوند و کافی است از چند روز قبل برای خرید بلیت اقدام کنند. چند سالی طول کشید تا موقعیتش برای من فراهم شد تا با بلیت شخص دیگری تماشاگر بازی باشم. قبل از بازی به نزدیک ترین ساندویچ فروشی به اسم «لجنس» یعنی «اسطوره ها» چیزی شبیه ساندویچ کثیف های خودمان رفتیم که صاحبش یک ایرانی است! اطراف ورزشگاه پر از دست فروش یادگاری هایی مثل شال، پوستر و... است و با این که سال ۲۰۱۵ دقیقا ۲۰ سال می شد که از یک کانتونا این باشگاه راترک کرده بود، بیشترین پوستری که دیده می شد متعلق به او بود. من در ایران



مهمانی خاطره انگیز روی سکوها!

کدام ورزشگاه؟ |فرندز آر هئا |استکهلم

چه مسابقه ای؟ ایران و سوئد (دوستانه)

علی کاردار، بازی نشتسته، ساکن سوئد: من بازی های زیادی را در ورزشگاه تماشا کردم، مثل بازی ایران و مکزیک در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان اما یکی از بازی های خیلی ماندگار و احساسی برای من بازی دوستانه ایران و سوئد بود. حدود ۸۰ درصد تماشاگران، ایرانی ها بودند. بازیکن محبوب بعضی از ما ایرانی های مقیم سوئد، یعنی زلاتان ابراهیموویچ در زمین حضور داشت و دلمان می خواست که او را هم تشویق کنیم. جالب این بود که دو تیم و طرفدارانش به چشم دور قیب به هم نگاه نمی کردند و تماشاگران هر دو تیم با تشویق های موحی و شعار های اخلاقی مدارانه، تیم ها را حمایت می کردند. برخلاف روند همیشگی، هنگام بازی موسیقی هم پخش می شد. قیمت بلیت بازی با این که خیلی گران بود اما ایرانی ها خانواده گی شرکت کرده و از همه جا خودشان را به استکهلم رسانده بودند. در این میان با دوستان قدیمی و هموطنان مان هم دیداری تازه کردم. **این بازی به حدی جذاب بود که تا روز های بعد زلاتان در مصاحبه با روزنامه ها تلویزیون می گفت** این بازی برای من مثل یک مهمانی خاطره انگیز بود که اوقات خوشی باتیم حریف و تماشاگران داشتیم. بین دو نیمه و در پایان بازی، بیرون از ورزشگاه ایرانی ها با شیرینی و تنقلات از همه پذیرایی می کردند. با این که سوئد ۳ بر یک ایران را مغلوب کرد ولی تماشاگران ایرانی همان قدر ابراز احساسات می کردند که گویی خودشان برنده میدان بودند. تاجایی که من خبر دارم تیم سوئد تیم ایران را بعد از بازی برای یک ضیافت شام دعوت کرد. فرندز آر هئا ورزشگاه بسیار مدرنی است که علاوه بر فوتبال، کنسرت های بزرگ موسیقی و جشن ها هم در آن برگزار و سقف ورزشگاه به صورت الکترونیکی باز و بسته می شود. امیدوارم هر کدام از مادر این شرایط قرار بگیریم چون احساس دیدن بازی از ورزشگاه مقابل به یادین بازی از صفحه بهترین تلویزیون ها نخواهد بود.



ورزشگاه های زیادی رفته بودم، از ورزشگاه آزادی تهران گرفته تا ورزشگاه ثامن مشهد اما والترافورد خیلی بزرگتر است. تعداد ورودی ها زیاد و روی بلیت ها شمار ه ورودی به جایگاه مشخص است. بالاترین قسمت ورزشگاه، آخرین ردیف و با فاصله زیاد از زمین، جایگاه ما بود. روی تمام سکوها سقف است و در این کشور پر باران، تغییرات جوی تماشاچیان را اذیت نمی کند، ضمن این که صداهای تشویق را اکو شدتش را چند برابر می کند. این جا کافی است فقط نیم ساعت پیش از بازی در ورزشگاه حضور داشته باشید و به عکس ایران که قبل از بازی سرو صدا بیشتر است با شروع بازی تمام ورزشگاه را صدا بر می دارد و سرود می خوانند. اغلب تماشاچیان مرد اما در میان آن ها برخی خانواده گی هم آمده بودند. من آن قدر هیجان زده بودم که به جای بازی، جذب گرافیک اسکور برد و دیگر جزئیات شدم تا خود بازی. تماشاگران هنگام سرو دخوانی می ایستند و این وسط کسانی مثل من که از سرودشان چیزی نمی دانستیم هم به ناچار باید می ایستادیم و گر نه از دیدن بازی محروم می شدیم. این اتفاق یعنی خواندن سرود چندین بار در ۹۰ دقیقه می افتد، بنابراین شما باید بیشتر زمان بازی را ایستاده به مستطیل سبز خیره شوید. بین دو نیمه صدای ها خالی می شوند و اغلب برای رفتن به سرویس بهداشتی یا خرید سبب زمینی سرخ کرده و تنقلات جایگاه خودشان راترک می کنند. بعد از بازی خیلی سریع البته با نظم و بدون هل دادن همدیگر از پله ها پایین رفتیم و بیست دقیقه ای طول کشید تا از ورزشگاه خارج شدیم.

ضیافتی به یادماندنی در جایگاه ویژه

کدام ورزشگاه؟ |ماراکانا |برزیل

چه مسابقه ای؟ فلامنگو و پالمیراس **میلاد یوسفی، ۳۵ ساله، محقق و مدرس مهندسی صنایع:** سال ۲۰۱۴ و فقط چند ماهی از اقامتم در برزیل گذشته بود که با گروهی از دوستان به ریودو ژانیرو رفتیم. روز آخر سفر، من و دوست پاکستانی ام که زبان پرتغالی نمی دانستیم باید از صبح تا ۹ شب به شکلی وقت می گذراندیم. دیدن تابلوی ورزشگاه ماراکانا فرصتی بود تا این ورزشگاه زیبا و بازی پالمیراس و فلامنگو را هم ببینیم. در باجه بلیت فروشی تقاضای ارزان ترین بلیت با تخفیف دانشجویی کر دیم اما تسلط نداشتن به زبان باعث شد تا مسئول فروش به جای دو بلیت دانشجویی پشت دروازه، بلیت جایگاه ویژه صادر کند! شرم شرقی ما و هیجانی که برای دیدن ماراکانا (میزبان فینال جام جهانی چند ماه آینده در آن زمان) داشتیم باعث شد تا بلیت گران را بگیریم. من که تنها تجربه ورزشگاه رفتن، ورزشگاه شهید سرون دی اندیمشک بود، به محض ورود به سالن انتظار، گویی به ضیافتی دعوت شده ایم؛ دو میز بزرگ حاوی انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها و غرفه ای برای سرو ذرت بوداده؛ یکی از کارمندان متوجه شد ما پرتغالی نمی دانیم، به کمک همکار دیگرش به انگلیسی در باره ورزشگاه توضیح داد و گفت خوراکی ها و نوشیدنی ها تا پایان بازی در دسترس شماست و مدام شارژ خواهد



شد! بازی خانگی فلامنگو بود و تقریبا همه چهل و چند هزار تماشاگر سرودهای تیم شان را می خواندند و حضور دو خارجی بین تماشاگران باعث جلب توجه اطرافیان و زمینه ساز گفت و گو با ما شد. بازی دیدنی بود و ۴ بر ۲ به نفع فلامنگو تمام شد. جایگاه در کنار مسیر ورود و خروج بازیکنان قرار داشت و بعد از بازی تعدادی از بازیکنان آمدند، با تماشاگران صحبت کردند و عکس گرفتند. دیدن یک بازی خوب با بالاترین کیفیت و نزدیک ترین مکان به زمین، برای من که تمایلی به ورزشگاه رفتن نداشتم و تصور شلوغی و بی نظمی اش اذیت می کرد، نقطه شروع علاقه من برای رفتن به ورزشگاه بود. از آن به بعد چند بازی از جام جهانی را با دوست پاکستانی ام دیدیم، از جمله بازی ایران و آرژانتین.

جذابیت های ورزشگاه در تور گردشگری

کدام ورزشگاه؟ |سانتیاگو برنابئو |اسپانیا

امیر اکبریان، ۳۷ ساله، تهیه کننده و کارگردان پویانمایی: ورزشگاه از بیرون چهار برج دارد که مارپیچی است و پله برقی افراد را به طبقات بالا و باجه بلیت های بارکدی می رساند و در پایان از آن خارج می شوند. روزی که ما برای بازدید به ورزشگاه رفتیم؛ شب قبلش بازی رئال مادرید و شالکه بود که ما همان حوالی بودیم و ۴۵ دقیقه پیش از بازی، طرفداران که لباس های تیم شان را به تن داشتند بی هیچ نگرانی از خرید بلیت، دیر رسیدن، بسته شدن در و دسترسی به جایگاه شان در کافه ها و محوطه اطراف منتظر شروع بازی بودند. البته زیر ساخت های حمل و نقلی ایده آل به سمت ورزشگاه بی تاثیر نیست. به محض ورود برای بازدید از ورزشگاه، مقابل پرده سبزی ایستادیم، از ما عکسی گرفته و پیرسیده شد که ما بلیم کنار کدام بازیکنان قرار بگیریم و عکس در خواستی مان را مثلا کنار رونالدو، کاسیو و بقیه مونتاژ می کردند و به قیمت ۱۰ یورو به ما می فروختند. از برج ها که خارج شدیم، چشم انداز زیبایی ورزشگاه و به روی مان ظاهر شد. ورزشگاه موزه حالیی داشت که داخلش مانیترهایی به صورت پررآکنده نصب شده بود و تصاویر یکسان و گاه متنوعی را از افتخارات رئال مادرید و گل های تاریخی شان را همراه و هماهنگ با موسیقی پخش می کردند. قسمتی از موزه به جام ها، کفش و لباس های قدیمی اختصاص داشت. قسمت جذاب موزه بخشی بود که شیپورهایی روی دیوار نصب شده بود و با قرار دادن گوش مان روی هریک، صدای یک گزارش قدیمی از بهترین لحظات بازی رئال مادرید را می شنیدیم. در طبقات پایین تر وارد سالن کنفرانس شدیم و توانستیم در جایگاهی که شب قبل از آن آنجوتی نشسته بود، بنشینیم و هیجان زده عکسی به یادگار بگیریم. دیدن رختکن و حمام بازیکنان آن هم بی هیچ دیوار و حائلی برای مان عجیب بود! بالاخره به پایین ترین طبقه یعنی زمین بازی رسیدیم. عظمت ورزشگاه ما را به وجد آورد و یکی از جذاب ترین قسمت های بازدیدمان بود چون روی چمن راه رفتیم، سکوها را از زاویه دید بازیکنان هنگام بازی تماشا کردیم و روی نیمکت بازیکنان رئال مادرید نشستیم. در نهایت به فروشگاه رفتیم که همه لوازم رئال مادرید از لباس و گرمکن و کفش گرفته تا خود کارواگ و... به عنوان سوغاتی برای فروش در دسترس بود. این بازدید بیشتر از تماشای بازی در این ورزشگاه به من چسبید چون در جایگاه تماشاگر مافقط حال و هوای بازی را تجربه می کنیم و از جزئیات چنین ورزشگاه های بزرگی بی نصیب می مانیم.

